



An Analysis of Shiite and Sunni Views regarding “Those Who Have been Given Knowledge” in the Chapter of al-Ankabut

Mohsen Nouraei * | Mahdi Taqizadeh Tabari ** | Qamar Kuhi Gunyani ***

Received: 2022/4/26 | Correction: 2022/7/27 | Accepted: 2022/8/24 | Published: 2022/12/21

Abstract

In the exegesis of verse 49 of the chapter of al-Ankabut, “Indeed, it is [present as] manifest signs in the breasts of those who have been given knowledge...,” there are ambiguities regarding the phrases “it is [present as] manifest signs” and “those who have been given knowledge” and considering who or what the pronoun it/he refers to, the meaning of “manifest signs” and, more importantly, the designation of the referent of “those who have been given knowledge” would change. This study delves into the exegetic views of the Sunnis and Shiites in the first five Hegira centuries using a descriptive-analytic method. The views of the Sunnis and Shiites regarding the referent of the phrase “those who have been given knowledge” are as follows: the followers of the Divine Scriptures (i.e. Christians, Jews, Sabians, and Magi) and their scholars, followers of the Divine Scriptures who have become Muslims, believers, scholars, the Prophet of Islam (peace be upon him and his household) and the Infallible Imams. Among these, the Imams have identified only themselves as the referents of the verse. In critiquing the views, firstly, in determining the reference of the pronoun “huwa” (he/it) between the Prophet and the Quran, it was clear that the pronoun refers to the Quran and, as a result, some of the aforementioned instances lose the qualification of being a referent for the phrase “those who have been given knowledge” and the specificity of this phrase to the Holy Prophet (peace be upon him and his household) and the Infallible Imams it becomes clear after explaining the meaning of the phrase “manifest signs” and this has been indicated in some Shiite exegetic narrations.



Keywords: “those who have been given knowledge”, Holy Prophet (peace be upon him and his household), Shiites and Sunnis, Ahlulbayt, Ahl al-Sunnah.

* Associate Prof., Quran and Hadith Sciences Department, Faculty of Islamic Theology and Teachings, University of Mazandaran, Babolsar, Iran | m.nouraei@umz.ac.ir

** Assistant Prof., Quran and Hadith Sciences Department, Faculty of Islamic Theology and Teachings, University of Mazandaran, Babolsar, Iran | mt.tabari@umz.ac.ir

*** Ph.D. candidate, Quran and Hadith Sciences, Faculty of Islamic Theology and Teachings, University of Mazandaran, Babolsar, Iran | hovalmabud@gmail.com

■ Nouraei, M; Taqizadeh Tabari, M; Kuhi Gunyani, Q. (2022) An Analysis of Shiite and Sunni Views regarding “Those Who Have been Given Knowledge” in the Chapter of al-Ankabut. *Comparative Interpretation Research*, 8 (18) 120-147. Doi: 10.22091/PTT.2023.7347.2013.



واکاوی دیدگاه‌های فریقین درباره «الذین أوتوا العلم» در سوره عنکبوت

محسن نورانی* | مهدی تقی زاده طبری** | قمر کوهی گونیانی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

چکیده

در تفسیر آیه ۴۹ سوره عنکبوت: ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾، ابهاماتی درباره عبارت‌های «هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ» و «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» وجود دارد و با توجه به این که رجوع ضمیر «هو» به چه کسی و یا چه چیزی است، مفهوم «آیات بَيِّنَاتٌ» و مهم‌تر از آن، تعیین مصداق «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» تغییر خواهد کرد. این پژوهش با شیوه توصیفی - تحلیلی، به بررسی دیدگاه‌های تفسیری فریقین در پنج قرن نخست هجری پرداخته است. دیدگاه‌های فریقین درباره مصداق عبارت «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» عبارتند از: اهل کتاب و علمای آنان، اهل کتابی که مسلمان شده‌اند، مؤمنان، علما، پیامبر اسلام و امامان معصوم. در این میان امامان فقط خود را مصداق آیه معرفی نموده‌اند. در نقد دیدگاه‌ها، نخست در تعیین مرجع ضمیر «هو» بین پیامبر و قرآن، مشخص شد که قرآن مرجع ضمیر است و در نتیجه، برخی از مصداق ذکر شده برای عبارت «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» صلاحیت مصداق بودن را از دست دادند و با تبیین مفهوم عبارت «آیات بَيِّنَاتٌ»، اختصاص «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» به پیامبر اکرم و امامان معصوم آشکار گردید که در برخی روایات تفسیری شیعه بدان اشاره شده است.



واژگان کلیدی: «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»، پیامبر، فریقین، اهل بیت، اهل سنت.

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
m.nouraei@umz.ac.ir

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
mt.tabari@umz.ac.ir

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)
hovalmabud@gmail.com

□ نورانی، محسن؛ تقی‌زاده طبری، مهدی؛ کوهی قونیانی، قمر. (۱۴۰۱). واکاوی دیدگاه‌های فریقین درباره «الذین أوتوا العلم» در سوره عنکبوت، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۸ (۱۶): ۱۴۷-۱۲۰. Doi10.22091/PTT.2023.7347.2013

بیان مسأله

عبارت "الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ"، در نه آیه به کار رفته است. در آیه *ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَ يَقُولُ أَإِنَّ شُرَكَّائِي الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقِقُونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ* (نحل/۲۷)^۱، ملائکه، امامان معصوم، مؤمنان، پیامبران و عالمانی که مردم را به ایمان دعوت می‌کنند ولی مردم به آن‌ها توجه نمی‌کنند، منظور این عبارت بیان شده‌اند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۸۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ج ۶، ص ۵۵۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۲، ص ۶۰۲؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ق، ج ۲، ص ۲۸۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ق، ج ۲۰، ص ۱۹۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ق، ج ۳، ص ۲۲۴؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ق، ج ۶، ص ۵۲۲؛ حویزی، ۱۴۱۵، ق، ج ۳، ص ۵۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ق، ج ۷، ص ۳۶۸). علامه طباطبایی این آیه را مختص معصومان می‌داند ولی برخی دیگر، این اختصاص را پذیرفته، آن را شامل همه موحدان می‌دانند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ج ۱۲، ص ۲۳۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ق، ج ۱۶، ص ۳۲۳)

در آیه *قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا* (اسرا/۱۰۷)^۲

علما و مؤمنان، علمای اهل کتاب، اهل کتاب مانند عبدالله بن سلام، ورقه بن نوفل، کسانی که کتاب‌های پیشین آسمانی را خوانده‌اند و حقیقت وحی و نشانه‌های نبوت را می‌دانند و حق و باطل را تشخیص می‌دهند و کسانی که خداوند و آیاتش را قبل از نزول اسلام می‌شناختند، در بیان مقصود این عبارت بیان شده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲، ق، ج ۱۵، ص ۱۲۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۵۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ج ۶، ص ۶۸۸؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ق، ج ۲، ص ۳۵۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۲، ص ۶۹۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ق، ج ۱۲، ص ۴۱۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ق، ج ۳، ص ۲۶۹؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ق، ج ۷، ص ۱۲۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ق، ج

^۱. «سپس روز قیامت آنان را رسوا می‌کند و می‌گوید: کجایند آن شریکان من که درباره آن‌ها [با پیامبران] مخالفت می‌کردید؟»

کسانی که به آنان علم داده شده است می‌گویند: "در حقیقت، امروز رسوایی و خواری بر کافران است".

^۲. «بگو: [چه] به آن ایمان بیاورید یا نیاورید، بی‌گمان کسانی که پیش از [نزول] آن دانش یافته‌اند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده‌کنان به روی درمی‌افتند».

۴، ص ۲۰۵؛ طنطاوی، ۱۹۹۷، م، ج ۸، ص ۴۵۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ق، ج ۸، ص ۱۷۸؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ق، ج ۱۳، ص ۲۲۱؛ صادقی تهرانی ۱۴۰۶، ق، ج ۱۷، ص ۳۶۸

مفسران در آیه *وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَ إِنْ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ* (حج/۵۴)^۱، عالم بالله، مؤمنان، اصحاب رسول خدا (ص)، علما و "راسخون فی العلم" را مقصود عبارت یادشده بیان کرده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲، ق، ج ۱۷، ص ۱۳۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ج ۷، ص ۱۴۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ق، ج ۳، ص ۵۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ق، ج ۲۳، ص ۲۴۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ق، ج ۷، ص ۵۲۷؛ طنطاوی، ۱۹۹۷، م، ج ۹، ص ۳۲۹؛ صادقی تهرانی ۱۴۰۶، ق، ج ۲۰، ص ۱۵۲)

آیه *وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحاً وَلَا يُفْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ* (قصص/۸۰)^۲ مربوط به عصر حضرت موسی (ع) است و مقصود از «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» عبارتند از: عالم بالله، تصدیق‌کنندگان وعده خداوند، اصحاب خاص حضرت موسی (ع)، اصحاب ایمان قوی و علم نافع، عالم به احوال دنیا که حضرت یوشع از آنان است و مؤمنان بنی اسرائیل. (طبری، ۱۴۱۲، ق، ج ۲۰، ص ۷۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۷۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ج ۷، ص ۴۱۷؛ حویزی، ۱۴۱۵، ق، ج ۴، ص ۱۳۹؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ق، ج ۸، ص ۳۲۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ق، ج ۱۰، ص ۳۲۷؛ طنطاوی، ۱۹۹۷، م، ج ۱۰، ص ۴۳۹؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ق، ج ۱۶، ص ۸۰)

در آیه *وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ* (روم/۵۶)^۳، عالم به کتاب خدا، ملائکه، انبیا و علمای اسلام، مقصود عبارت مذکور است (طبری، ۱۴۱۲، ق، ج ۱۲، ص ۳۷؛ زمخشری ۱۴۰۷، ق، ج ۳، ص

۱. «و تا آنان که دانش یافته‌اند بدانند که این [قرآن] حق است [و] از جانب پروردگار توسل و بدان ایمان آورند و دل‌هایشان برای او خاضع گردد و به راستی خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، به سوی راهی راست راهبر است».

۲. «و کسانی که دانش [واقعی] یافته بودند، گفتند: "وای بر شما! برای کسی که گرویده و کار شایسته کرده پاداش خدا بهتر است و جز شکیبایان آن را نیابند"».

۳. «و [بی] کسانی که دانش و ایمان یافته‌اند، می‌گویند: "قطعاً شما [به‌موجب آنچه] در کتاب خدا [ست] تا روز رستاخیز مانده‌اید و این، روز رستاخیز است ولی شما خودتان نمی‌دانستید"».

۴۸۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ۲۷۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص ۴۰۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص ۲۱۱؛ طنطاوی، ۱۹۹۷ م، ج ۱۱، ص ۱۰۱؛ آلوسی، ج ۱۱، ص ۵۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۳، ص ۲۰۳). برخی منابع روایی شیعی، این عبارت را مخصوص فرزندان حضرت علی (ع) می‌دانند. (حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۳۱۵)

در آیه «وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُبِينٍ» (سبأ/۶)^۱ عالم به دین، اصحاب رسول خدا، حضرت علی (ع)، اهل کتاب، همه مکلفان، مؤمنان صادقی که از پیامبر پیروی می‌کردند و عالمان به خدا و آیاتش، به عنوان مقصود این عبارت ذکر شده‌اند. (فراء، ۱۹۸۰ م، ج ۲، ص ۳۵۲؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۲، ص ۲۴؛ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۳۷۶؛ زمخشری ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۵۶۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ص ۵۹۸؛ طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۳۴۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص ۲۴۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۲۲۶؛ حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۳۱۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۱، ص ۲۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۶، ص ۳۵۸؛ صادقی تهرانی ۱۴۰۶ ق، ج ۲۴، ص ۲۳۱)

در آیه «وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ» (محمد/۱۶)^۲ مسلمانان، عالمان به کتاب خدا، عبدالله بن مسعود، مسلمانانی که خدا به آن‌ها فهم و علم داده است، حضرت علی (ع)، علمای صحابه، ابن عباس، مؤمنان و عالمان به خدا و آیاتش از صحابه رسول خدا منظور عبارت مذکور بیان شده‌اند. (فراء، ۱۹۸۰ م، ج ۳، ص ۶۰؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۶، ص ۳۲؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۴، ص ۱۲۲؛ طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۲۹۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۹، ص ۱۵۴؛ طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۱۲۳؛ زمخشری ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۳۲۲؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ج ۹، ص ۴۲۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۱۲۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص ۴۹؛ حویزی،

^۱. «و کسانی که از دانش بهره یافته‌اند، می‌دانند که آنچه از جانب پروردگارت به‌سوی تو نازل شده، حق است و به راه آن عزیز ستوده [صفات] راهبری می‌کند».

^۲. «و از میان [منافقان] کسانی‌اند که [در ظاهر] به [سخنان] تو گوش می‌دهند، ولی چون از نزد تو بیرون می‌روند، به دانش یافتگان می‌گویند: "هم‌اکنون چه گفت؟" اینان همانانند که خدا بر دل‌هایشان مهر نهاده است و از هوس‌های خود پیروی کرده‌اند».

۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۳۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۳، ص ۲۰۶؛ طنطاوی، ۱۹۹۷ م، ج ۱۳، ص ۲۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۸، ص ۲۳۶)

در آیه *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا يَرَفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ* (مجادله/۱۱)، مفسران همگی متفقند که این آیه به برتری عالمان دینی اشاره دارد و عالمان مؤمن را مقصود عبارت مذکور دانسته‌اند. (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۸، ص ۱۴؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۰، ص ۳۳۴۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۹، ص ۳۸۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۲۶۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۱۹۵؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، ص ۱۲۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص ۱۸۵؛ حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۲۶۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴، ص ۲۲۲؛ طنطاوی، ۱۹۹۷ م، ج ۱۴، ص ۲۶۲؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۸، ص ۲۰۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۹، ص ۱۸۸)

درباره آیه *بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي ضُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ* (عنکبوت/۴۹)، میان مفسران متقدم فریقین درباره عبارت‌های "هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ" و "الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ" اختلاف نظر وجود دارد و با توجه به رجوع ضمیر هو به چه کسی و یا چه چیزی، مفهوم "آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ" و "الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ" تغییر کرده است. درباره مرجع بودن قرآن یا پیامبر برای ضمیر هو و به تبع آن، درباره مصداق عبارت «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»، چندین نظر قابل جست‌وجوست. مصادیق ذکر شده عبارتند از: اهل کتاب و علمای آنان، اهل کتابی که مسلمان شده‌اند، مؤمنان، علما، پیامبر اسلام و امامان معصوم. در این میان امامان خود را تنها مصداق آیه معرفی نموده‌اند.

با توجه به تأثیر تفاسیر متقدم بر تفاسیر بعد از خود، همین اختلافات در تفاسیر دیگر نیز قابل مشاهده است. در تفاسیر قرن‌های بعد، برخی از مفسران، روایاتی را گزارش نموده‌اند که در تفاسیر پنج قرن نخست (اعم از شیعی یا سنی) بیان شده بود. (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۴۸؛ جزایری، ۱۳۸۸ ش، ج ۳، ص ۶۵۲؛ کاشانی، ۱۴۲۳ ق، ج ۵، ص ۲۳۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۱، ص ۷)

تفاسیر دیگری قرآن را مرجع ضمیر هو می‌دانند و علمای قرآن و حافظان آن را که همان پیامبر و مؤمنان هستند، مقصود عبارت "الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ" می‌دانند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ۶، ۲۵۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۳، ۴۵۸؛ سیواسی، ۱۴۲۷ ق ج ۳، ص ۲۶۰؛ جزایری، ۱۳۸۸ ش، ج ۳، ص ۶۵۲؛ کاشانی، ۱۴۲۳ ق، ج ۵، ص ۶۵۲؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ ق، ص ۵، ۲۴۶؛ طنطاوی ۱۹۹۷ م ۱۱، ص ۴۷؛ قاسمی، ۱۴۱۸ ق، ج ۷، ص ۵۶۰؛ مراغی، ج ۲۱، ص ۷؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۸، ص ۶۸). عده‌ای از مفسران، مرجع ضمیر هو را قرآن می‌دانند ولی در مقصود عبارت "الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ" اختلاف نظر دارند. برخی پیامبر و اصحاب را منظور عبارت می‌دانند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۰، ص ۱۸۷) و برخی علمای اهل کتاب و غیر آن را مقصود می‌دانند (زحیلی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۱۹۷۲). عده معدودی نیز مرجع ضمیر را پیامبر و مقصود عبارت را اهل کتاب می‌دانند (واحدی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۸۳۴). برخی نیز فقط مرجع ضمیرهای ممکن برای هو را گزارش داده‌اند (ثعالبی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص ۲۹۹). برخی از علمای شیعه نیز بدون اشاره به مرجع ضمیر هو، مقصود عبارت را ائمه دانسته‌اند. (طیب، ۱۳۶۹ ش، ج ۱۰، ص ۳۳۵؛ مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ج ۹، ص ۴۷۱)

تفاسیر روایی شیعی متأخر و همچنین تفاسیری که از روایات ائمه استفاده نموده‌اند، همان روایات منابع متقدم شیعی را گزارش کرده و یا به آن‌ها استناد نموده‌اند (استرآبادی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۴۲۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۱۲۰؛ اشکوری، ۱۳۷۳ ش، ج ۳، ص ۵۲۷؛ حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۱۶۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۳۲۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۰، ص ۱۵۵؛ شبر، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۶۸؛ سبزواری، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۴۰۷؛ زبیدی، ۱۴۲۸ ق، ج ۵، ص ۳۸۵)

در برخی تفاسیر غیرروایی شیعی، با توجه به روایات اهل سنت و روایات امامان، پیامبر و مؤمنان (طبرسی ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ص ۴۵۱) و طالبان علم برای ایمان به حق (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۶، ص ۱۱۹) را مصداق عبارت معرفی نموده و برخی نیز مصداق "اوتوا العلم" را متفاوت دانسته و برترین آن‌ها را پیامبر و ائمه معرفی کرده‌اند و بعد از ایشان، حافظان و عالمان

(طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۲۵۰؛ صادقی تهرانی ۱۴۰۶ ق، ج ۲۳، ص ۸۴) را مصداق عبارت یادشده دانسته‌اند.

دیدگاه‌های گوناگون درباره عبارت یادشده در سوره عنکبوت، در تفاسیر پنج قرن نخست و تأثیر آنان در تفاسیر بعدی و وجود تأکید در روایات شیعه بر انحصار مصداق در امامان معصوم، ضرورت بررسی تطبیقی و تحلیل نظریات فریقین، برای روشن شدن مقصود آیه را آشکار می‌سازد.

این پژوهش با استفاده از شیوه توصیفی – تحلیلی تا حد امکان به بررسی تطبیقی تفاسیر موجود (اعم از روایی و غیر آن) درباره این آیه در منابع فریقین تا قرن پنجم می‌پردازد و درستی این نظریات را واکاوی می‌نماید. برای دستیابی به این منظور لازم است به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

۱. نظریات مطرح در کتب تفسیری و روایی فریقین درباره عبارت‌های "هُوَ آيَاتُ يَتَنَاتٌ" و "الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ" در آیه ۴۹ سوره عنکبوت چیست؟

۲. با توجه به مفردات و ترکیبات و سیاق آیه و ویژگی قرآن، کدام دسته از دیدگاه‌های تفسیری مطرح‌شده در منابع فریقین درست به نظر می‌رسند؟

نگاشته‌های علمی درباره این آیه، هم در تفاسیر قرآن کریم و هم در پایان‌نامه‌هایی با موضوعات معنانشناسی علم در قرآن، بررسی علم امام و ... قابل پیگیری است. همچنین برخی پژوهش‌گران در قالب مقاله، سعی کرده‌اند با بهره‌گیری از روایات و دیدگاه‌های مفسران، به تبیین این عبارت در آیات مختلف بپردازند و با تحلیل آیات و روایات، اختصاص آیه ۴۹ سوره عنکبوت به اهل بیت را اثبات نمایند (حاجی خانی، روحی برندق، جلیلیان و فریادرس، ۱۳۹۵ ش؛ مسعودی، ۱۳۹۲ ش؛ شریفی و عسکری، ۱۳۹۵ ش). در نگاشته‌های یادشده، تمام آیاتی که عبارت "الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ" در آن‌ها به کاررفته، واکاوی شده و نگارندگان، از دیدگاه‌های مفسران شیعه و سنی و روایات بهره برده‌اند، اما بیش‌تر، به دیدگاه‌های مفسران متأخر توجه گردیده و به دیدگاه‌های متقدمان توجه نشده است. همچنین در هیچ‌یک از این گونه‌ها، بررسی تطبیقی دیدگاه‌های تفسیری فریقین (خصوصاً متقدمان) مورد هدف

نبوده و دستاوردی با این رویکرد نداشته‌اند. بر اساس جست‌وجوهای انجام‌شده نگاشته‌ای درباره این موضوع به زبان عربی و انگلیسی یافت نشد.

بررسی عبارت در سیاق آیات

بر اساس تفسیر المیزان، سیاق آیات بیانگر این است که به رسول خدا (ص) دستور داده شده تا از طریق تلاوت قرآن به تبلیغ پردازد و کیفیت دعوت اهل کتاب به‌عنوان یکی از مخاطبان پیامبر (ص) را چنین بیان نموده است که از مجادله سخت با آنان دوری کند و بدون درشت‌خویی و به‌صورت نیکو با آن‌ها مجادله نماید. پس می‌فرماید: نخست به ایشان بگویید: "ما هم به آنچه بر ما نازل شده ایمان داریم و هم به آنچه به شما نازل شده و معبود ما و شما یکی است و ما تسلیم آن معبودیم". سپس بر نازل شدن قرآن بر صفت اسلام و تسلیم شدن برای خدا و تصدیق سایر کتاب‌های آسمانی اشاره دارد و چون قرآن بر این صفت باشد، طبعاً اهل کتاب هم به آن ایمان خواهند آورد، برای این که ایمان آن‌ها به کتاب آسمانی، به خاطر تسلیم خدا بودن است.

سپس در مقام اقامه حجت بر حقانیت قرآن، نفی عادت پیامبر (ص) بر خواندن و نوشتن را بیان نموده تا بهانه

مبطلان در حقانیت دعوت را ناپدید کند. چون آن حضرت نمی‌توانست بخواند و بنویسد و مردم ایشان را به این صفت می‌شناختند، دیگر هیچ جای شکی برایشان باقی نمی‌ماند که این قرآن کتاب خداست و از کتاب‌های قدیم و داستان‌ها اقتباس نشده است.

با نفی تلاوت و نوشتن از رسول خدا (ص) این سؤال پیش می‌آید که پس قرآن چیست؟ این سؤال تقدیری، با کلمه "بل" پاسخ داده شده: *بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ، وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ*؛ «بلکه آن، آیاتی است روشن، در سینه‌های کسانی که بهره‌ای از علم به آن‌ها داده شده و ظالمان آیات خدا را تکذیب کرده و نمی‌پذیرند» و برای کوچک شمردن آن، از پیامبر درخواست معجزه‌ای دلخواه می‌کنند. خداوند در برابر این عملکرد آنان می‌فرماید: این پندار که هر مدعی رسالت باید نیرویی غیبی و الهی داشته باشد تا هر کاری دلش خواست بتواند انجام دهد، پندار غلطی است. بلکه آیات تنها نزد

خداست و آن گونه که بخواهد نازل می‌کند و در قدرت بر نازل کردن آن، هیچ کس شریک او نیست و پیامبر جز انذار هیچ مقامی ندارد. (طباطبایی ۱۳۹۰ ق، ج ۱۶، ص ۱۳۳ - ۱۴۰)

دیدگاه‌های تفسیری اهل سنت

دو دیدگاه عمده در منابع اهل سنت^۱ وجود دارد. دیدگاه اول، بازگشت ضمیر هو را به پیامبر نسبت داده و مقصود از «آیات بینات» را ویژگی‌های ایشان دانسته‌اند که عبارتند از: امی بودن، نخواندن کتاب و ننوشتن با دست. چون این ویژگی‌های پیامبر در کتاب‌های تورات و انجیل ذکر شده است، بنابراین مقصود از عبارت «الذین أوتوا العلم» اهل کتاب و یا علمای آن‌ها هستند که به این موضوع علم دارند.

دیدگاه دوم این است که ضمیر هو در عبارت مذکور، به قرآن بازمی‌گردد که دارای آیات بینات است و مقصود از «الذین أوتوا العلم» پیامبر اسلام و مؤمنان به آن حضرت هستند. نحوه بیان این دو دیدگاه، در کتب تفسیری اهل سنت متفاوت است:

الف) بیان‌کنندگان هر دو دیدگاه

عبدالرزاق در تفسیرش، فقط به مقصود «الذین أوتوا العلم» اشاره نموده و به نقل از حسن و قتاده، اهل کتاب را مصداق آن معرفی کرده و در قول دیگری از حسن، مقصود را مؤمنان بیان نموده است. (صنعانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۸۳)

طبری در جامع البیان، هر دو دیدگاه را به صورت دسته‌بندی شده، ذکر کرده و طرفداران هر دیدگاه را بیان نموده است. وی دیدگاه اول را به افرادی چون: ابن عباس، ضحاک، قتاده و ابن جریج و دیدگاه دوم را به حسن نسبت می‌دهد. طبری خود دیدگاه اول را ترجیح می‌دهد و دلیل خود را چنین بیان می‌کند که عبارت «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمُ»، بین دو خبر قرار دارد که یکی از خبرها مربوط به قرآن و خبر دیگر مربوط به پیامبر است. رجوع این عبارت به پیامبر (ص)، بر رجوع آن به قرآن ترجیح دارد چون خبر

^۱ نظریات تفسیری اهل سنت از بررسی صحیح سته و کتاب‌های تفسیری آنان به دست آمده است. مطلبی درباره این عبارت در صحاح سته وجود نداشت.

از قرآن، قبل از خبر پیامبر بود و تمام شده بود (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۱، ص ۵). تفسیر بحر العلوم درباره مرجع ضمیر هو، هر دو قول را بیان می‌کند و قولی که او یقینی می‌داند نظری است که پیامبر (ص) را مرجع ضمیر ذکر می‌کند و آیات بینات، همان ویژگی امی بودن پیامبر است و مؤمنان اهل کتاب، مقصود "الذین اوتوا العلم" هستند که پیامبر از قصه‌های اولیه خبر می‌دهد که در قلب‌های آنان است. (سمرقندی ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۶۳۷)

همین مطالب در الهدایه الی بلوغ النهایه، ذکر شده و فقط قول ابن مسعود را اضافه کرده و با توجه به قرائت ابن مسعود از *بل هی آیات البینات*، مقصود "آیات بینات" را آیات قرآن دانسته است (مکی بن حموش، ۱۴۲۹ ق، ج ۹، ص ۵۶۳۹). ثعلبی دیدگاه اول را از قول ابن عباس و قتاده بیان می‌کند و دلیل آن را قرائت ابن مسعود و ابن السمیقع می‌داند و به نقل از حسن نیز بازگشت ضمیر هو را قرآن بیان می‌کند (ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۷، ص ۲۸۶). در النکت و العیون دیدگاه اول به نقل از ضحاک و دیدگاه دوم به نقل از حسن ذکر شده و نظر کعبی و قتاده را که در تفسیر یحیی بن سلام تیمی خواهد آمد، به عنوان توضیح بیان می‌نماید. (ماوردی، بی تا، ج ۴، ص ۲۸۷)

کتاب تأویلات اهل سنت، دیدگاه اول را قول یقینی می‌داند و مقصود "الذین اوتوا العلم" را مؤمنانی می‌داند که اهل کتاب بوده‌اند همانند عبدالله بن سلام و یارانش. ولی احتمالات دیگری را نیز درباره مرجع ضمیر هو مطرح می‌کند و می‌گوید: ممکن است منظور قرآن باشد که در این صورت منظور از آیات بینات، مباحث مربوط به توحید و معاد و دلایل و نشانه‌های آن‌هاست. همچنین ممکن است منظور پیامبر نیز باشد که نور ایشان در صلب پدرش و سپس در رحم مادرش و در هنگام ولادت و ... همه نشانه‌هایی برای رسالت و نبوت آن حضرت بوده است. درباره "الذین اوتوا العلم" نیز جایز می‌داند منظور کسانی باشند که منافع علم به آن‌ها اعطا می‌شود. (ماتریدی، ۱۴۲۶ ق، ج ۸، ص ۲۳۵)

ب) بیان کنندگان دیدگاه اول

ابن ابی حاتم رازی دیدگاه اول را به نقل از قتاده، ضحاک و مجیب بن سعد (با سلسله سندی که به جدش عطیه منتهی می‌شود) بیان کرده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۹، ص

۳۰۷۱). صاحب‌الوَجیز نیز در ذیل آیه، دیدگاه اول را بیان نموده است و در توضیح می‌گوید که اهل کتاب، نشانه‌های پیامبر را در تورات خوانده و حفظ نموده بودند. (واحدی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۸۳۴)

ج) بیان‌کنندگان دیدگاه دوم

یحیی بن سلام تیمی در تفسیرش، ضمیر هو را به قرآن ارجاع داده و مقصود از "الذین أوتوا العلم" را پیامبر و مؤمنان دانسته، به این دلیل که به امت اسلام قدرت حفظ داده شده درحالی که در قبل، فقط پیامبران حافظ بودند و حلیم و عالم بودن ویژگی مسلمانان است (تیمی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۶۳۵). طبرانی نیز دیدگاه دوم را بیان نموده و مقصود "الذین أوتوا العلم" را مؤمنان عهد پیامبر دانسته که قرآن را در زمان ایشان و بعد از ایشان در سینه‌هایشان حمل نموده‌اند (طبرانی، ۲۰۰۸ م، ج ۵، ص ۱۰۶). ابن ابی‌زمین نیز مقصود "الذین أوتوا العلم" را بدون هیچ توضیحی، پیامبر و مؤمنان ذکر کرده است. (ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۴ ق، ص ۱۳۳)

دیدگاه‌های تفسیری شیعه

دیدگاه‌های تفسیری شیعه دو دسته است: دسته‌ای از دیدگاه‌ها، مربوط به امامان شیعه است و دسته دیگر، دیدگاه‌های همسو با تفاسیر اهل سنت است.

الف) تفاسیر همسو با دیدگاه اهل سنت

تفسیر مقاتل بن سلیمان، قائل به دیدگاه اول اهل سنت است و مقصود از "الذین أوتوا العلم" را کسانی می‌داند که علم تورات به آن‌ها داده شده است که همان عبدالله بن سلام و یارانش هستند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، ج ۳، ص ۳۸۶). تفسیر تبیان درباره مرجع ضمیر هو، قول ابن عباس را آورده که ضمیر را به پیامبر ارجاع می‌دهد و قول حسن را بیان کرده که قرآن را مرجع ضمیر می‌داند و مقصود عبارت "الذین أوتوا العلم" را در هر دو قول، علما بیان کرده است. (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۱۶)

ب) روایات امامان شیعه

روایات امامان شیعه در تفسیر این عبارت، فقط به تبیین مصداق عبارت "الذین أوتوا

العلم" پرداخته، با عبارت‌های گوناگون، مصداق این عبارت را فقط اهل بیت می‌دانند. در *بصائر الدرجات* راویانی همانند برید بن معاویه عجل، ابی بصیر، حمران بن اعین و عبدالله بن عجلان، از امام باقر (ع) و همچنین راویانی چون: ابوبصیر، اسباط، هارون بن حمزه، حمران بن اعین، عبدالرحمان بن کثیر، عبدالعزیز العبدی، سدید و حسن الصقیل از امام صادق (ع) و محمد بن فضیل از امام رضا (ع)، احادیثی بدین مضمون روایت نموده‌اند که معصوم در مواجهه با عبارت *بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ*، عبارت‌هایی همانند "إِنَّا عَنَى"، "مَنْ عَسَى أَنْ يَكُونُوا غَيْرَنَا؟"، "نَحْنُ"، "هُمْ الْأَيُّمَةُ"، "نَحْنُ الْأَيُّمَةُ خَاصَّةً"، "هُمْ الْأَيُّمَةُ خَاصَّةً"، "نَحْنُ وَإِنَّا" و "نَحْنُ وَإِنَّا عَنَى" بیان نموده‌اند (صفار، ۱۴۰۴ ق، ۱، ص ۲۰۴ - ۲۰۷). در حدیث دیگری از امام باقر چنین آمده است که ایشان رجس را شک بیان می‌کنند و امامان را از شک در دین پاک دانسته، سپس آیه فوق را بیان می‌کنند و خود را مصداق آیه می‌دانند. (صفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۰۶)

در کتاب کافی برخی از روایات موجود در *بصائر*، با همان مضمون بیان شده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۱۳ - ۲۱۴). تفسیر قمی بدون سند (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۱۵۱)، تفسیر فرات کوفی در روایتی به نقل از زید ابن سلام جعفی به نقل از امام باقر (ع) و در حدیثی دیگر به نقل از زید بن علی (کوفی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۱۹) و دعائم الاسلام به نقل از امام باقر (ع) بدون ارائه سند (ابن حیون، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۲۲)، منظور از این عبارت را ائمه بیان نموده‌اند.

نقد دیدگاه‌های تفسیری

دیدگاه‌های موجود را در دو مرحله می‌توان نقد نمود: مرحله اول نقد دیدگاه‌های مربوط به مرجع ضمیر هوست و در مرحله بعد بررسی دیدگاه‌های مربوط به عبارت "الذین اوتوا العلم" بیان می‌شود.

الف) نقد دیدگاه‌های مرجع ضمیر هو

دو دیدگاه درباره مرجع ضمیر هو وجود داشت: یکی از آن‌ها، مرجع ضمیر را پیامبر (ص) می‌دانست و دیدگاه دیگر، ضمیر را به قرآن ارجاع می‌داد. به نظر می‌رسد دیدگاهی که

مرجع ضمیر را به قرآن باز می‌گردانند، درست باشد و دیدگاه دیگر وجه قابل توجیهی نداشته باشد. دلایل متعددی را می‌توان برای صحت ارجاع ضمیر هو به قرآن بیان نمود:

۱. سیاق آیات، خطاب به پیامبر (ص) است و دلیلی هم وجود ندارد که توجیه کند که نحوه خطاب تغییر کرده و تکلم به نحو غایب صورت گرفته و دوباره به نحوه خطاب بازگشته است؛ بنابراین سیاق در آیات قبل و بعد عبارت مذکور، حالت خطاب است و اگر می‌خواست این عبارت را درباره پیامبر (ص) بیان کند، باید می‌گفت: "بل لت آیات بینات..."؛ بنابراین با توجه به خطاب موجود در سیاق، ارجاع ضمیر هو به پیامبر (ص) درست نیست. سخن از قرآن در سیاق، به صورت غایب است و سخن با پیامبر به صورت خطاب است؛ پس ضمیر هو با قرآن تناسب دارد نه با پیامبر (ص).

۲. در عبارت "آيَاتُ يِّنَاتٌ"، اگر منظور از این عبارت، امی بودن پیامبر (ص) باشد، این ویژگی از لحاظ تعداد مفرد است و نخواندن و نوشتن نیز مثناست. در آیه، عبارت "آيَاتُ يِّنَاتٌ"، خبر هو به شمار می‌رود (دعاس، ۱۴۲۵ ق، ج ۳، ص ۴؛ صافی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۰، ص ۳۴۸؛ درویش، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص ۴۴۳؛ علوان، ۱۴۲۷ ق، ج ۳، ص ۱۷۵۹)؛ پس باید به صورت "آیه بینة" و یا "آیتان بینتان" بیاید و اگر بیش‌تر از این صفات موردنظر است، در سیاق آیات به آن اشاره نشده؛ اما عبارت "آيَاتُ يِّنَاتٌ" جمع است و با ویژگی‌هایی که برای پیامبر ذکر می‌کنند، از لحاظ تعداد برابری نمی‌کند. از سوی دیگر، این ویژگی‌ها باید دارای اجمال و ابهامی بوده و سپس روشن شده باشد تا به کار بردن عبارت "آيَاتُ يِّنَاتٌ" درباره آن‌ها درست باشد؛ در صورتی که ویژگی امی بودن پیامبر (ص) امری واضح بود و اجمال و ابهام نداشت و نخواندن و نوشتن و امی بودن فقط ویژگی پیامبر (ص) نبود و بسیاری از مردم آن سامان در آن دوره، این ویژگی را داشتند؛ بنابراین ارجاع ضمیر هو به پیامبر (ص) درست نیست و آنچه درست به نظر می‌رسد ارجاع ضمیر هو به قرآن است.

ب) نقد دیدگاه‌ها درباره «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»

دیدگاه‌های مفسران فریقین درباره مصداق عبارت «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» عبارتند از: اهل کتاب و علمای آنان، اهل کتابی که مسلمان شده‌اند، مؤمنان، علما، پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع). ائمه فقط خود را تنها مصداق آیه معرفی نموده‌اند.

با توجه به مطالبی که در نقد مرجع ضمیر هو گفته شد، اگر مرجع ضمیر به پیامبر بازنگردد، دیدگاه‌هایی که با توجه به بازگشت مرجع ضمیر به پیامبر، مقصود عبارت «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» را اهل کتاب و علمای آنان و اهل کتابی که مسلمان شده‌اند، می‌دانست، نادرست خواهد بود. اگر ضمیر هو به قرآن بازنگردد، در این صورت دیدگاه‌های دیگر درباره عبارت «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» می‌توانند مصداق عبارت موردنظر باشند که درستی مصداق بودن آن‌ها باید بررسی شود.

۱. عبارت "آيَاتُ يِّنَاتٍ" به عنوان خبر ضمیر هو، در صدد بیان ویژگی قرآن است. باید دید که مقصود از بیان این ویژگی چیست؟ آیات، مفرد آیه است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۴ و ۶۱) و به چیزی گفته می‌شود که مورد توجه و قصد قرار می‌گیرد تا به وسیله آن به مقصود برسند (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱، ص ۱۸۷). همچنین گفته شده که حقیقت آیه برای هر شیئی ظاهر آن است که این ظاهر ملازم وجهی از شیء است که ظهورش آشکار نیست و هنگامی که مدرک، وجه ظاهر شیء را درک می‌کند، وجه دیگر آن را که نمی‌تواند به ذات آن علم یابد، درک می‌کند، چرا که حکم این دو یکسان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۰۱)؛ بنابراین آیه دارای اصل و منبعی است که آیه از آن منبع و اصل حکایت دارد و می‌توان گفت: هر چیزی که آیه باشد، نیازمند تأویل به اصل خود است تا به طور کامل فهمیده شود.

گوهر معنایی واژه بینه، بر انکشاف و وضوح بعد از ابهام و اجمال دلالت دارد که به واسطه جداسازی و فصل ایجاد می‌شود. دو جهت در این گوهر معنایی، وجود دارد: یکی جداسازی و دیگری انکشاف؛ بنابراین نه دوری و جداسازی مطلق است و نه ظهور مطلق بلکه جداسازی و ظهور با قید ذکر شده (بعد از ابهام و اجمال) است (مصطفوی، ج ۱، ص ۳۶۶-۳۶۹). واژه «بین» هرگاه به تنهایی به کار رود، لازم است و هرگاه با کلمه دیگر به کار رود، متعدی است همانند «آيَةُ يِّنَةٍ يِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ»؛ یعنی آیه کشف شده و خارج شده از بین امور دیگر که به طور معمول جاری است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۲۵۹)؛ بنابراین "آيَاتُ يِّنَاتٍ" باید دارای اصلی باشد که با رجوع آیه (که دارای اجمال و ابهام است)، به آن اصل

منکشف و بین شده باشد. با توجه به این که "آيَاتُ بَيِّنَاتٌ" خبر برای هو است و مرجع ضمیر هو، قرآن است، بنابراین قرآن باید دارای اصلی باشد که ابهام و اجمال موجود در قرآن با رجوع به آن اصل، آشکار شود و این اصل همان منبعی است که قرآن به عنوان آیات بینات برای آن ذکر شده و تأویل قرآن، نسبت به آن صورت می‌گیرد.

قرآن در توصیف خود می‌گوید: *كِتَابٌ فَصَّلْتُ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ* (فصلت/۳).^۱ کلمه "فُصِّلَتْ" از مصدر تفصیل است که در مقابل کلمه "احکام" و کلمه "اجمال" است و مراد از تفصیل آیات قرآن، این است که اجزای آن را از یکدیگر جدا کند و آن را آن قدر نازل و درخور فهم شنونده نماید که شنونده آشنا به اسلوب‌های کلام، بتواند معانی آن را بفهمد و مقاصدش را تعقل کند. (طباطبایی ۱۳۹۰ ق، ج ۱۷، ص ۳۵۹)

در آیه *كِتَابٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فَصَّلْتُ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ* (هود/۱)،^۲ قرآن کتابی دارای احکام است و منظور از احکام آیات، ارتباط بعضی از آیات جداشده از هم، به یکدیگر و ارجاع آیات آخر به آیات اول آن است. این ارجاع به گونه‌ای است که بازگشت همه آن‌ها به امر واحد بسیطی است که اجزا و ابعاض ندارد و لفظ "ثم" در آیه برای این آمده که بعدیت به حسب ترتیب را برساند و بفهماند که فروع و تفصیل قرآن از اصولی بوده و آن اصول از اصل واحدی نشأت گرفته است. (طباطبایی ۱۳۹۰ ق، ج ۱۰، ص ۱۳۶)

طبق آیه *إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدِينًا لِّحَكِيمٍ* (زخرف/۴-۳)،^۳ آن امر واحد که احکام و اجمال دارد و بدون تفصیل است همان ام‌الکتاب است و اصل قرآن در جایگاه "أُمُّ الْكِتَابِ" قرار دارد. در آنجا سخن از لفظ و مفهوم عربی و... نیست؛ زیرا این جایگاه، جایگاه بلندی است که از گزند تغیر و تبدل ایمن است: *بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ

^۱. «کتابی است که آیات آن، به روشنی بیان شده. قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند».

^۲. «کتابی است که آیاتش نخست محکم بوده و سپس از ناحیه خدای حکیم خبیر تفصیل داده شد».

^۳. «ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، باشد که بیندیشید و همانا که آن در کتاب اصلی [لوح محفوظ] به نزد ما سخت والا و پر حکمت است».

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ* (بروج / ۲۱ - ۲۲)^۱ و در واقع لوح محفوظ و ام‌الکتاب، یکی هستند و این لوح محفوظ همان کتاب مکنون است: *إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ* (واقعۀ ۷۷ / ۷۸ - ۷۸).^۲ (جوادی آملی ۱۳۸۹ ش، ج ۱۳، ص ۲۱۱)

بنابراین حقیقت قرآن در لوح محفوظ، حقیقتی است بسیط که هیچ کثرتی در آن وجود ندارد و در آن مقام والا (جایگاه اجمال و بساطت) سخنی از آیه و سوره، محکم و مشابه و ... (کثرت) مطرح نیست؛ زیرا این تقسیم، لازمه مرتبه تفصیل است که در آن مرتبه، اجزا از یکدیگر متمایز و هر کدام دارای حکم مخصوص به خود هستند و این تمایز آیات و سوره، به خاطر تفاوت شرایط جایگاهی (جایگاه نزول) است که قرآن عربی مبین در آن قرار دارد و امری است که در اثر تنزل، عارض بر قرآن شده است و در ام‌الکتاب دارای کثرت و متصف به امور اعتباری نیست (جوادی آملی ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۲۴۳ - ۲۴۴)؛ بنابراین قرآن در ام‌الکتاب به صورت بسیط و دارای اجمال است ولی ابهام ندارد.

لازمه "آیات بینات" بودن قرآن، این است که در ابتدا دارای ابهام و اجمال باشد و سپس واضح گردد. قرآن در موطن اصلی خود دارای بساطت است و چون تفصیل نیافته پس لفظ آیات در آن موطن لوح محفوظ بر قرآن اطلاق نمی‌شود و آیات بینات بودن آن مربوط به موطن نزول است. پس باید این آیات در موطن نزول دارای ابهام باشند و سپس وضوح یابند.

بر طبق آیه *هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ* (آل عمران/ ۷)،^۳

^۱ «آری، آن قرآنی ارجمند است که در لوحی محفوظ است».

^۲ «که این [پیام] قطعاً قرآنی است ارجمند، در کتابی نهفته است».

^۳ «اوست کسی که این کتاب [قرآن] را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم [صریح و روشن] است. آن‌ها اساس کتابند و [پاره‌ای] دیگر متشابه‌اند [که تأویل پذیرند]؛ اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود]، از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آن‌که تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند: "ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست" و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود.

قرآن در موطن نزول تشابه دارد و تشابه ابهام‌آفرین است. دلیل این تشابه و ابهام نیز تفصیلی است که در هنگام نزول برای آن رخ داده است.

چون افرادی که متصف به "اوتوا العلم" هستند، آیات بینات در سینه‌های آن‌ها قرار دارد، باید به اصل قرآن علم داشته باشند تا بتوانند ابهام آیات را با رجوع به اصل آن روشن سازند و بینات بودن قرآن را درک کنند. پس علمی که افراد متصف به "اوتوا العلم" باید داشته باشند، علم به لوح محفوظ است؛ زیرا وقتی آنان به مقام قرآن در لوح محفوظ که محکم و بدون کثرت است، آگاه باشند، در نتیجه قبل از پیدایش کثرت و ظهور محکم و متشابه، به تأویل همه آن‌ها آگاه هستند و می‌دانند که قرآن به چه صورت تنزل یافته و کدام قسمت از آن محکم و کدام قسمت از آن متشابه به شمار می‌رود و چگونه آن محکم بر این متشابه، اشراف علمی دارد و چگونه این متشابه در پرتو آن محکم، از هرگونه تشابهی رها خواهد شد. (جوادی آملی ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۴)

ترکیب "اوتوا العلم" بیانگر این است که دارندگان این علم باید حداقل بخشی از علم موردنظر این آیه را از طریق غیراکتسابی به دست آورده باشند؛ زیرا واژه "اوتوا" از ماده "اتی" گرفته شده است و "أَتَيْنَا وَإِيتَانَا وَأَتَيْنَهُ" مصدرهای آن هستند (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۸، ص ۱۴۵). ایتاء که برگرفته از این ماده است، اعطا و بخشش معنا شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۵۰). گوهر معنایی آن برآمدن به آسانی و با جریان طبیعی دلالت دارد به گونه‌ای که این شیء به راحتی به مقصد برسد (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱، ص ۳۰). این جریان یافتن در حیطه اختیار مبدأ بوده و تنها نقش مقصد زمانی خواهد بود که این جریان به درخواست وی صورت گرفته باشد.

گوهر معنایی علم نیز بر نشانه‌ای برای شیء که با آن از دیگری تشخیص داده شود (همانند علامت)، دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۱۰۹) و حقیقت علم، حضور و احاطه بر شیء است و دریافتی است که هر موجودی نسبت به خود و سایر موجودات با توجه به میزان وسعت وجودی خود دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ج ۸، ص ۲۰۸ — ۲۱۲)؛ بنابراین

علم اعطاشده به افراد متصف به "اوتوا العلم" و نوع دریافت آن‌ها، به آسانی و بدون زحمت اکتساب و علم حضوری است.

بر اساس آیه *إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ* (واقعۀ ۷۷/ ۸۰)،^۱ کسی جز "مطهَّرون" به قرآن در جایگاه اصلی خود که همان اُمّ الکتاب است، دسترسی ندارد. مطهَّرون اسم مفعول است و به عصمت تکوینی اشاره دارد؛ بنابراین انسان‌هایی که متصف به "اوتوا العلم" می‌شوند نیز باید دارای عصمت تکوینی باشند تا بتوانند به اصل قرآن دسترسی یابند.

بر اساس آیه *إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا* (احزاب/ ۳۳)^۲ اهل بیت پیامبر (ص)، افرادی هستند که خداوند آن‌ها را تطهیر نموده و دارای عصمت تکوینی هستند و روحشان از هر تعلقی طاهر است و دریافت علمی با مقام اصلی قرآن داشته و آن را در اُمّ الکتاب مشاهده می‌نماید (جوادی آملی ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۲۴۳ — ۲۴۴)؛ بنابراین تنها کسانی که می‌توانند به لوح محفوظ دسترسی یابند و مصداق "الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ" در این آیه باشند، پیامبر و اهل بیت ایشان هستند و سایر مؤمنان شامل این آیه نمی‌شوند؛ زیرا سایر مؤمنان از طهارت لازم برای دسترسی به این علم، برخوردار نیستند.

۲. قرآن در موطن نزول، به سُر و آیات تقسیم می‌شود و آیات آن به محکم و متشابه متصف می‌شوند و رفع تشابه با ارجاع متشابه به محکم حاصل می‌گردد. بر اساس آیه هفت آل عمران، علم به تأویل قرآن از عموم مؤمنان و مردم نفی شده است و تنها کسانی که به تأویل کامل قرآن دسترسی دارند و مصداق کامل "راسخون فی العلم" هستند، به تأویل آن دسترسی دارند. با توجه به سخنان قبل، اهل بیت (ع) عالم به متشابه و آگاه به تأویل آن هستند. اگر کسی غیر از اینان، به تأویل قرآن دست یافته، بی‌شک از طریق این حضرات بوده است؛ بنابراین اهل بیت (ع) از جنبه دسترسی به جایگاه قرآن در لوح محفوظ، به تبع آن "راسخون فی العلم"

^۱. «که این [پیام] قطعاً قرآنی است ارجمند، در کتابی نهفته که جز پاک‌شدگان بر آن دست نزنند؛ وحی‌ای است از جانب پروردگار جهانیان».

^۲. «خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند».

بودن، تنها مصداق آن هستند و هیچ کس دیگری در این امر با آنان ذره‌ای شریک نیست. تأکید اهل بیت بر این که تنها مصداق "راسخون فی العلم" هستند (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۴؛ کوفی، ۱۴۱۰، ق، ص ۶۹؛ قمی، ۱۴۰۴، ق، ج ۲، ص ۱۵۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ق، ج ۱، ص ۱۶۲؛ کلینی، ج ۱، ص ۱۸۵)، راهنمایی مردم به این نکته است که آنان به اصل قرآن که لوح محفوظ است علم دارند و تنها مصداق "اوتوا العلم" در آیه ۴۹ عنکبوت به شمار می‌روند.

آیه * ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا* (فاطر/۳۲)^۱، دلیل دیگر بر این ادعاست که بر طبق آن بندگان اصطفا شده خداوند وارث کتابش هستند. وارث باید به امر آن میراث قیام کند، همان گونه که مورث در امر آن شیء قیام می‌نمود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۴۴)؛ بنابراین کسانی که وارث کتاب‌های آسمانی می‌شوند باید به امر کتاب خداوند قیام کنند و اقامه امر کتاب خدا، تبلیغ و تبیین آن برای مردم است: *وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ* (نحل/۴۳ — ۴۴).^۲ لازمه تبیین کتاب این است که تبیین کننده همانند پیامبری که این کتاب به او وحی شده است، به تمام زوایای کتاب علم داشته باشد و تمام آیات قرآن برایش آشکار (بینات) باشد. اصطفا بر اساس آیه *إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ* (آل عمران/۴۲)^۳، تطهیر را در پی دارد و بر اساس آیه تطهیر، تنها اهل بیت دارای تطهیر هستند پس اهل بیت همان بندگان اصطفا شده به شمار می‌آیند و بینات بودن قرآن برای آنان رخ داده است تا بتوانند به تبیین آن قیام کنند.

۳. بر طبق حدیث ثقلین (صفار ۱۴۰۴، ق، ج ۱، ص ۴۱۳)، لازمه نبودن جدایی بین قرآن و اهل بیت، نبود جدایی از لحاظ مقام علمی و عملی بین این دو گوهر گران بهاست و جدایی فیزیکی مقصود نیست؛ بنابراین اهل بیت باید تجسم علمی و عملی قرآن باشند و این ویژگی بیان دیگری از آیه *بَلْ هُوَ آيَاتُ بَيِّنَاتٍ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ* (عنکبوت/۴۶) است.

۱. «سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم، به میراث دادیم».

۲. «و این قرآن را به‌سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به‌سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند».

۳. «خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته».

۴. دلیل دیگر آن که اگر عموم مؤمنان مقصود «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» باشند، بر طبق آیه «إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران/۱۶۴)،^۱ آن‌ها باید علم را به واسطه تعلیم پیامبر و از طریق اکتساب فراگیرند. از لحاظ توانمندی بر اکتساب علم از پیامبر، فرقی بین مؤمنان و مشرکان و اهل کتاب نیست و دیگر نیازی به آوردن ویژگی «أُوتُوا الْعِلْمَ» نبود و باید می‌گفت: «بل هو آیات بینات لکم» و یا می‌گفت: «بل هو آیات بینات للمؤمنان» تا تمام مخاطبان و یا مؤمنان را شامل شود؛ بنابراین غرض از آوردن این ویژگی، جداسازی دسته‌ای از مردم و مقصود قرار دادن آن‌هاست نه همه مردم.

نتیجه

۱. تفاوت فهم درباره واژگان، ترکیبات، مفهوم کل آیه، مصداق و ...، منشأ اختلافات تفسیری است. از سوی دیگر، معنای ظاهری آیات و مفاهیم باطنی آن‌ها به هم مرتبط هستند و جدای از هم نیستند. تبیینی که برای یک آیه بیان می‌شود، باید هم با واژگان آیه و هم با ترکیبات آن‌ها و هم با کل مفهوم جمله سازگار باشد و اگر تبیین عرضه شد و با ظاهر آیه سازگاری نداشت، حداقل امکان تأویل ناسازگاری وجود داشته باشد.
۲. اختلاف نظر مفسران در آیه مورد نظر، درباره مرجع بودن قرآن یا پیامبر برای ضمیر هو و درباره مصداق «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» بود. با توجه به سیاق آیات، نادرستی نظری که پیامبر را مرجع ضمیر می‌دانست و مصداق‌های مرتبط با این نظر، آشکار گشت. سپس با تحلیل آیات بینات «بودن قرآن، مشخص شد که مصداق سازگار با این آیه باید طهارت تکوینی داشته باشد. در میان دیدگاه‌های موجود درباره مصداق «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» فقط پیامبر و امامان معصوم می‌توانند مصداق این آیه باشند و سایر مصداق‌ها به خاطر نداشتن طهارت تکوینی، خودبه‌خود صلاحیت مصداق بودن را برای این عبارت از دست می‌دهند.
۳. مشخص شدن ابهامات موجود در این آیه، موجب می‌شود که ابهامات برخی دیگر عبارت‌های قرآنی همانند «راسخون فی العلم» نیز برطرف شود.

^۱. «[که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد».

منابع

قرآن کریم.

آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ ق)، دعائم الإسلام، چاپ دوم، قم: بی‌نا.

ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم: بی‌نا.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: بی‌نا.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، چاپ سوم، ریاض: مکتبة نزار مصطفی الباز.

ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله (۱۴۲۴ ق)، تفسیر ابن ابی زمنین، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ ق)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، البحر المحیط فی التفسیر، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.

استرآبادی، علی (۱۴۰۹ ق)، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، چاپ اول، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم: مؤسسه النشر الإسلامی.

اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳ ش)، تفسیر شریف لاهیجی، چاپ اول، تهران: دفتر نشر داد.

بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم: مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة.

بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق)، انوار التنزیل و اسرار التأویل (تفسیر بیضاوی)، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

تیمی، یحیی بن سلام (۱۴۲۵ ق)، تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القیروانی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۸ ق)، تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ ق)، الكشف و البیان المعروف بتفسیر الثعلبی، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله (۱۳۸۸ ش)، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم: نور وحی.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ ش)، سرچشمه اندیشه، محقق: عباس رحیمیان محقق، چاپ پنجم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ش)، تفسیر تسنیم، محقق: عبدالکریم عابدینی، چاپ سوم، قم: اسراء.
- حاجی خانی، علی، روحی برندق، کاووس، جلیلیان، سعید و محسن فریادرس (۱۳۹۵ ش)، تحلیل معناشناسانه کاربست ترکیبات اولوالالباب، الذین اوتوا العلم و اولوا العلم در قرآن کریم، احسن الحديث، ج ۲، ص ۵۷-۷۳.
- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.
- درویش، محیی‌الدین (۱۴۱۵ ق)، اعراب القرآن الکریم و بیانه، چاپ چهارم، حمص: الارشاد.
- دعاس، احمد عبید (۱۴۲۵ ق)، اعراب القرآن الکریم (دعاس)، چاپ اول، دمشق: دارالفارابی للمعارف.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، دمشق: بی‌نا.
- زیبیدی، ماجد ناصر (۱۴۲۸ ق)، التیسیر فی التفسیر للقرآن برولیة أهل البيت، چاپ اول، بیروت: دارالمحجة البيضاء.
- زحیلی، وهبه (۱۴۲۲ ق)، التفسیر الوسیط (زحیلی)، چاپ اول، دمشق: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی.
- سبزواری، محمد (۱۴۱۹ ق)، ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ ق)، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- سیواسی، احمد بن محمود (۱۴۲۷ ق)، عیون التفاسیر، چاپ اول، بیروت: دار صادر.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، چاپ اول، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.
- شبر، عبدالله (۱۴۰۷ ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، چاپ اول، کویت: شركة مكتبة الالفین.
- شریفی محمد، عسکری کامل (۱۳۹۵ ش)، معناشناسی اوتوا العلم در آیات و روایات، همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، چاپ دوم، قم: فرهنگ اسلامی.
- صافی، محمود (۱۴۱۸ ق)، الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویة هامة، چاپ چهارم، دمشق: دارالرشید.
- صدیق حسن خان، محمد صدیق (۱۴۲۰ ق)، فتح البیان فی مقاصد القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، چاپ دوم، قم: بی‌نا.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۱ ق)، تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفة.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸ م)، التفسیر الکبیر/ تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، چاپ اول، اربد: دارالکتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ ق)، تفسیر جوامع الجامع، چاپ اول، قم: حوزه علمیه قم: بی‌نا.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفة.
- طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷ م)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، چاپ اول، قاهره: نهضة مصر.
- طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: اسلام.
- علوان، عبدالله بن ناصح (۱۴۲۷ ق)، اعراب القرآن الکریم (علوان)، چاپ اول، طنطا: دارالصحابه للتراث.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، تفسیر العیاشی، چاپ اول، تهران: بی‌نا.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰ م)، معانی القرآن (فراء)، چاپ دوم، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم: بی‌نا.
- فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ ق)، من وحی القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالملاک.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ ق)، تفسیر الصافی، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
- قاسمی، جمال‌الدین (۱۴۱۸ ق)، تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱ ش)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- قمی مشهیدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، تفسیر القمی، چاپ سوم، قم: بی‌نا.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۴۲۳ ق)، زبدة التفاسیر، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: الإسلامیه.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ ق)، تفسیر فرات الکوفی، چاپ اول، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
- هاتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ ق)، تأویلات أهل السنة (تفسیر هاتریدی)، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ماوردی، علی بن محمد، بی‌تا، النکت و العیون تفسیر الماوردی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ ق)، من هدی القرآن، چاپ اول، تهران: دار محبی الحسین.
- مراغی، احمد مصطفی، بی‌تا، تفسیر المراغی، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.

مسعودی، محمد مهدی (۱۳۹۲ ش)، بررسی مفهومی و مصداقی اوتوالعلم در آیه ۴۹ سوره عنکبوت، آموزه‌های قرآنی، ج ۱۸، ص ۱۲۹-۱۴۸.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ ش)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، چاپ اول، تهران: بی‌نا.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ ق)، التفسیر الکاشف، چاپ اول، قم: دارالکتاب الإسلامی.

مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مکی بن حموش (۱۴۲۹ ق)، الهدایة إلى بلوغ النهاية، چاپ اول، شارجه: جامعه الشارقة، کلیة الدراسات العليا و البحث العلمي.

نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱ ق)، اعراب القرآن (نحاس)، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ ق)، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز (واحدی) چاپ اول، بیروت، دارالقلم.

References

Holy Quran

- Abu Hayyan, M. (1420 AH/1999). *Al-Bahr al-muhit fi al-tafsir*, 1st ed. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Alusi, M. (1415 AH/1995). *Ruh al-ma'ani fi tafsir al-Quran al-'azim wa al-sab' al-mathani*, 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Manshurat Muhammad Ali Beydun. [In Arabic].
- Alwan, A. (1427 AH/2006). *I'rab al-Quran al-karim (Alwan)*, 1st ed. Tanta: Dar al-Sahabah li-l Turath. [In Arabic].
- Ashkvari, M. (1373 SH/1994). *Tafsir Sharif Lahiji*, 1st ed. Tehran: Daad Publication Office. [In Persian].
- Astarabadi, A. (1409 AH/1989). *Ta'wil al-ayaat al-zahira fi fada'il al-'Itrat al-tahirah*, 1st ed. Qom: Jamiat al-Modarresin fi Hawzat Ilmiyyah bi Qom: Muassasat al-Nashr al-Islami. [In Arabic].
- Ayyashi, M. (1380 AH/1961). *Tafsir 'Ayyashi*, 1st ed. Tehran: n.p. [In Arabic].
- Bahrani, H. (1415 AH/1995). *Al-Burhan fi tafsir al-Quran*, 1st ed. Qom: Bethat Institute, Islamic Classes section. [In Arabic].
- Beydawi, A. (1418 AH/1997). *Anwar al-tanzil wa israr al-ta'wil (Tafsir al-Beydawi)*, 1st ed. Beirut Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Daas, A. A. (1425 AH/2004). *I'rab al-Quran al-karim (Daas)*, 1st ed. Damascus: Dar al-Farabi li-l Maaref. [In Arabic].
- Darwish, M. D. (1415 AH/1995). *I'rab al-Quran al-karim wa bayanah*, 4th ed. Homs: al-Irshad. [In Arabic].
- Fadlullah, M. (1419 AH/1998). *Min wahy al-Quran*, 1st ed. Beirut: Dar al-Malak. [In Arabic].
- Fakhr Razi, M. (1420 AH/1999). *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-ghayb)*, 3rd ed. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Farahidi, K. (1409 AH/1989). *Kitab al-Ain*, 2nd ed. Qom: n.p. [In Arabic].
- Farra, Y. (1980). *Ma'ani al-Quran (Farra')*, 2nd ed. Cairo: Al-Heiat al-Misriyyah al-Aamah li-l Kitab.

- Fayd Kashani, M. (1415 AH/1995). *Tafsir al-Safi*, 2nd ed. Tehran: Maktabat al-Sadr. [In Arabic].
- Hajikhani, A., Rouhi Barandaq, K., Jalilian, S. & Faryadras, M. (2017). Semantic analysis of the usage of terms “ulu al-'albāb”, “allazīna ūtu al-'ilm” and “ulu al-'ilm” in the Quran. *Ahsan al-Hadith*, 1(2), 57-73. [In Persian].
- Hamoush, M. (1429 AH/2008). *Al-Hidayat ila bulugh al-nihayah*, 1st ed. Sharjah: Jamiat al-Shariqah, Kuliyat al-Dirasat al-Ulya wa la-Bahth al-Ilmi. [In Arabic].
- Huwayzi, A. A. (1415 AH/1995). *Tafsir Nur al-Thaqalyn*, 4th ed. Qom: Ismailian. [In Arabic].
- Ibn Abi Hatam, A. R. (1419 AH/1998). *Tafsir al-Quran al-'azim (Ibn Abi Hatam)*, 3rd ed. Riyadh: Maktabat Nizar Mustafa al-Baz. [In Arabic].
- Ibn Abi Zamnin, M. (1424 AH/2003). *Tafsir Ibn Abi Zamnin*, 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Manshurat Muhammad Ali Beydun. [In Arabic].
- Ibn Ashour, M. T. (1420 AH/1999). *Tafsir al-Tahrir wa al-tanwir al-ma'rouf bi tafsir Ibn 'Ashour*, 1st ed. Beirut: Muassasat al-Tarikh al-Arabi. [In Arabic].
- Ibn Faris, A. (1404 AH/1984). *Mu'jam maqayees al-lughah*, 1st ed. Qom: n.p. [In Arabic].
- Ibn Hayyun, N. (1385 AH/1965). *Da'ai'm al-Islam*, 2nd ed. Qom: n.p. [In Arabic].
- Ibn Kathir, I. (1419 AH/1998). *Tafsir al-Quran al-'azim (Ibn Kathir)*, 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Manshurat Muhammad Ali Beydun. [In Arabic].
- Ibn Manzur, M. (1414 AH/1994). *Lisab al-'Arab*, 3rd ed. Beirut: n.p. [In Arabic].
- Javadi Amoli, A. (1386 SH/2007). *Sarcheshme-ye andishe*. Research by A. Rahimian Mohaqqueq, 5th ed. Qom: Isra. [In Persian].
- Javadi Amoli, A. (1389 SH/2010). *Tafsir-i Tasnim*. Research by A. K, Abidini, 3rd ed. Qom: Isra. [In Persian].
- Jazaeri, N. (1388 SH/2009). *'Uqud al-marjan fi tafsir al-Quran*, 1st ed. Qom: Nur-i Wahy. [In Arabic].
- Kashani, F. (1423 SH/2002). *Zubdat al-Tafaasir*, 1st ed. Qom: al-Maaref al-Islamiyyah Institute. [In Arabic].
- Kufi, F. (1410 AH/1990). *Tafsir Furat al-Kufi*, 1st ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic].
- Kulayni, M. (1407 AH/1987). *Al-Kafi*, 4th ed. Tehran: Islamiyyah. [In Arabic].
- Maraghi, A. M. (n.d.). *Tafsir al-Maraghi*, 1st ed. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Masoodi, M. M. (2014). The intentional (conceptual) and extensional examination of those who have been given the knowledge أوتوا العلم in the 49th verse of Surat Al-'Ankabūt. *Quranic Doctrines*, 10(18), 129-148. [In Persian].
- Maturidi, M. (1426 AH/2005). *Ta'wilat Ahl al-Sunnah (Tafsir al-Maturidi)*, 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Manshurat Muhammad Ali Beydun. [In Arabic].
- Mawardi, A. (n.d.). *Al-Nakt wa al-'uyun tafsir al-Mawardi*, 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Manshurat Muhammad Ali Beydun. [In Arabic].
- Modarresi, M. T. (1419 AH/1998). *Min huda al-Quran*, 1st ed. Tehran: Muhibbi al-husayn. [In Arabic].
- Mughnieh, M. J. (1424 AH/2003). *Al-Tafsir al-Kashif*, 1st ed. Qom: Dar al-Kutub al-Islami. [In Arabic].

- Mustafavi H. (1368 SH/1989). *Al-Tahqiq fi kalimat Quran al-karim*, 1st ed. Tehran: n.p. [In Arabic].
- Nuhas, A. (1421 AH/2000). *I'rab al-Quran (Nuhas)*, 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Manshurat Muhammad Ali Beydun. [In Arabic].
- Qarashi Benabi, A. A. (1371 SH/1992). *Qamoos-i Quran*, 6th ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic].
- Qasemi, J. (1418 AH/1997). *Tafsir al-Qasemi al-musamma Mahasin al-ta'wil*, 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Manshurat Muhammad Ali Beydun. [In Arabic].
- Qommi Mashhadi, M. (1368 SH/1989). *Tafsir Kanz al-daqa'iq wa bahr al-ghara'ib*, 1st ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and publication Institute. [In Arabic].
- Qommi, A. (1404 AH/1984). *Tafsir al-Qommi*, 3rd ed. Qom: n.p. [In Arabic].
- Ragheb Isfahani, H. (1412 AH/1992). *Mufradar al-faz al-Quran*, 1st ed. Damascus: n.p. [In Arabic].
- Sabzvari, M. (1419 AH/1998). *Irshad al-azhan ila tafsir al-Quran*, 1st ed. Beirut: Dar al-Taaruf li-l Printing. [In Arabic].
- Sadeqi Tehrani, M. (1406 AH/1986). *Al-Furqan fi tafsir al-Quran bi-l Quran wa al-sunnah*, 2nd ed. Qom: Farhang-i Islami. [In Arabic].
- Saffar, M. (1404 AH/1984). *Basa'ir al-darajaat fi fada'il Aal Muhammad sallallahu 'alayhim*, 2nd ed. Qom: n.p.
- Safi, M. (1418 AH/1997). *Al-Jadwal fi irab al-Quran wa sarfahu wa bayanahu ma'a fawa'id nahwiyyat hammah*, 4th ed. Damascus: Dar al-Rasheed. [In Arabic].
- Samarqandi, N. (1416 AH/1992). *Tafsir al-Samarqandi al-musamma Bahr al-ulum*, 1st ed. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Sanani, A R. (1411 AH/1991). *Tafsir al-Quran al-'aziz al-musamma Tafsir 'Abd al-Razzaq*, 1st ed. Beirut: Dar al-Marefah. [In Arabic].
- Sharifi Muhammad, A. K. (1395 SH/2016). *Ma'nashenasi-yi utul 'ilm dar ayaat va rivayaat. First National Conference on Lexicology in Islamic Sciences*. [In Persian].
- Shubbar, A. (1407 AH/1987). *Al-Jawhar al-thamin fi tafsir al-kitab al-munir*, 1st ed. Kuwait: Shirkat Maktabat al-Alfayn. [In Arabic].
- Siddiq Hasan Khan, M. S. (1420 AH/1999). *Fath al-bayan fi maqasid al-Quran*, 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Manshurat Muhammad Ali Beydun. [In Arabic].
- Siwani, A. (1427 AH/2006). *'Uyun al-tafaasir*, 1st ed. Beirut: Dar Sadir. [In Arabic].
- Sulayman, M. (1423 AH/2002). *Tafsir Maqatil b. Sulayman*, 1st ed. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Suyuti, A. R. (1404 AH/1984). *Al-Durr al-manthour fi tafsir bi-l ma'thour*, 1st ed. Qom: Grand Ayatollah Marashi Najafi Public Library. [In Arabic].
- Tabarani, S. (2008). *Al-Tafsir al-Kabir/Tafsir al-Quran al-'azim (al-Tabarani)*, 1st ed. Irbid: Dar al-Kitab al-Thaqafi. [In Arabic].
- Tabari, m. (1412 AH/1992). *Jami' al-bayan fi tafsir al-Quran (Tafsir al-Tabari)*, 1st ed. Beirut: Dar al-Marefah. [In Arabic].
- Tabarsi, F. (1372 SH/1993). *Majma' al-bayan fi tafsir al-Quran*, 3rd ed. Tehran: Naser Khosro. [In Arabic].

- Tabarsi, F. (1412 AH/1992). *Tafsir Jawami 'al-jami'*, 1st ed. Qom, Qom Seminary: n.p. [In Arabic].
- Tabatabaie, M. H. (1390 AH/2011). *Al-Mizan fi tafsir al-Quran*, 2nd ed. Beirut: al-Aalami Printing Institute. [In Arabic].
- Tantawi, M. (1997). *Al-Tafsir al-Waseet li-l Quran al-karim*, 1st ed. Cairo: Nahdat Misr. [In Arabic].
- Taymi, Y. (1425 AH/2004). *Tafsir Yahya b. Salam al-Taymi al-Basari al-Qirwani*, 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Mansurat Muhammad Ali Beydun. [In Arabic].
- Tayyib, A. H. (1369 SH/1990). *Atyab al-bayan fi tafsir al-Quran*, 2nd ed. Tehran: Islam. [In Arabic].
- Thalabi, A. (1422 AH/2001). *Al-Kashf wa al-bayan al-ma'rouf bi Tafsir al-Tha'labi*, 1st ed. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Thalabi, A. R. (1418 AH/1997). *Tafsir al-Tha'labi al-musamma bi-l Jawahir al-hisan fi tafsir al-Quran*, 1st ed. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Tusi, M. (n.d.). *Al-Tibyan fi tafsir al-Quran*, 1st ed. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Wahidi, A. (1415 SH/1995). *Al-Wajiz fi tafsir al-kitab al-'aziz (Wahidi)*, 1st ed. Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic].
- Zamakhshari, M. (1407 AH/1987). *Al-Kashshaf 'an haqiq ghawamid al-tanzil wa 'uyun al-aqaweel fi wujuh al-ta'wil*, 3rd ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi. [In Arabic].
- Zubaydi, L. N. (1428 AH/2007). *Al-Tayseer fi al-tafsir li-l Quran biriwayati Ahl al-Bayt*, 1st ed. Beirut: Dar al-Mahajjat al-Beyda. [In Arabic].
- Zuhaili, W. (1422 AH/2001). *Al-Tafsir al-Waseet (Zuhaili)*, 1st ed. Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی